

سکوت امام صادق(ع) تفکر در قرآن بود

هر کس به چهره امام صادق(ع) می‌نگریست، قرآن در نظرش تجلی می‌کرد و هر گاه قرآن را می‌دید، امام صادق(ع) در خاطرش جلوه می‌کرد؛ او با آیات قرآن سخن می‌گفت، با قرآن استدلال می‌کرد و سکوتش تفکر در قرآن بود.



هر کس به چهره امام صادق(ع) می‌نگریست، قرآن در نظرش تجلی می‌کرد و هر گاه قرآن را می‌دید، امام صادق(ع) در خاطرش جلوه می‌کرد؛ او با آیات قرآن سخن می‌گفت، با قرآن استدلال می‌کرد و سکوتش تفکر در قرآن بود.

به فرموده پیامبر(ص)، دو یادگار هستند که تا روز قیامت از یکدیگر جدا نمی‌شوند یکی، قرآن و دومی، عترت پیامبر(1) این دو یادگار، یادآور علوم تمام پیامبران الهی‌اند و همه چیز در نزد آنهاست. امامان، آگاهان از حقایق کتاب الهی و راسخان در علم و وارثان اسرار عالم هستی بوده‌اند. امام جعفر صادق(ع) یکی از آنان است که وارث علم کتاب، سینه‌اش گنجینه اسرار قرآنی و وجود مقدسش آمیخته با قرآن کریم بود.

امام جعفر صادق(ع) می‌فرماید: 171#& وَ اللَّهُ إِنِّي لَأَعْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ كَأَنَّهُ فِي كَفِّي. فِيهِ خَبَرُ السَّمَاءِ وَ خَبَرُ الْأَرْضِ وَ خَبَرُ مَا كَانَ وَ خَبَرُ مَا هُوَ كَائِنٌ. قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: فِيهِ تَبَيُّانٌ كُلِّ شَيْءٍ؛ قسم به خدا من حقا و تحقیقا کتاب الله را از اول تا آخرش می‌دانم، آن گونه که گویا کتاب الله در مشتم من است. در آن خبر آسمان، و خبر زمین و خبر وقایع گذشته، و خبر وقایع حال و آینده وجود دارد. خدای عزوجل فرموده است؛ در قرآن روشنگری و درخشش و بیان تمام چیزهاست. raquo&.

منصورین حازم گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: خداوند بالاتر از آن است که به وسیله مخلوقاتش شناخته شود، بلکه این مخلوقاتند که به وسیله خدا شناخته می‌شوند.

امام صادق(ع) فرمود: راست گفتی. گفتم: کسی که دانست برای او پروردگاری است، پس سزاوار است که بداند برای آن پروردگار رضا است که جز از راه وحی و رسول شناخته نمی‌شود، پس اگر به کسی وحی نشد سزاوار است که دست به دامان رسولان خدا شود، پس اگر آنها را ملاقات کرد، خواهد دید که آنها حجت هستند و پیروی از ایشان واجب.

آنگاه به امام صادق(ع) می‌گوید که از مردم در مورد حجت بعد از رسول خدا(ص) پرسیدم. آنها گفتند: قرآن، ولی من به آنها تذکر دادم که قرآن بدون سرپرست و قیم کفایت نمی‌کند، چرا که گروه‌های مختلف از جمله مرجئه، قدریه و حتی زناده که به قرآن ایمان هم ندارند، برای سخن خویش به قرآن استدلال می‌کنند و روی همین جهات است که گفتم قرآن نیاز به سرپرستی دارد که هرچه در مورد آن بفرماید حق باشد و در این میان کسانی چون ابن مسعود و عمر و حذیفه به عنوان سرپرست معرفی شدند، اما من سؤال کردم که آیا تمام قرآن را می‌دانستند؟ در جواب گفتند، خیر، تنها علی بود که آگاه به تمام قرآن بود.

من گفتم: پس شهادت می‌دهم که علی(ع) قیم و سرپرست قرآن است و پیروی از او واجب و پس از رسول خدا(ص) حجت بر مردم است و آنچه در مورد قرآن ابراز عقیده کند حق است. امام صادق(ع) پس از شنیدن سخنان او و استدلال زیبا و محکم وی او را با گفتن 171#& رَحِمَكَ اللَّهُ؛ ستود و دعايش كرد.(3)

یکی از اصحاب امام صادق(ع) می‌گوید: شنیدم که امام صادق(ع) می‌فرمود: نحن ولاة امر الله و خزنة علم الله و عیبه وحی الله؛ ما ولی امر امامت و خلافت خدا و گنجینه علم خدا و صندوق وحی خدائیم(4)

پدر گرامی آن حضرت، امام باقر(ع) می‌فرماید: نحن تراجمه وحی الله؛ ما مترجمان وحی خدائی(5)

امام صادق(ع) درباره قرآن و لزوم تکرار آن در هر روز، چنین می‌فرماید: القرآن عهدالله الی خلقه، فقد ینبغی للمرء المسلم ان ینظر فی عهده و ان یقرأ منه فی کل یوم خمسين آیه (6)؛ قرآن عهد خداوند نسبت به بندگان اوست. سزاوار است که یک انسان مسلمان در این عهدنامه الهی بنگرد و هر روز پنجاه آیه از آن را بخواند.

روشن است که مرور بر مفاد یک عهدنامه، برای یادآوری از آن قرارداد و رعایت آن در عمل است. میثاق خدا با بندگان برشناختن احکام الهی و عبرت گرفتن از حکایات قرآن و عمل به اوامر او و تدبیر در آیات است. جالب است که امام صادق(ع) وقتی می‌خواست قرآن تلاوت کند، قرآن را که به دست راست خویش می‌گرفت، دعایی می‌خواند که به عهد بودن قرآن و تعهدات انسان در قبال این قرار داد، اشاره دارد. مضمون آن دعا چنین است، خداوند! من عهد و کتاب تو را گشودم. خدایا! نگاهم را در این کتاب، عبادت قرار بده و قرائتم

را تفکر، و تفکر را عبرت آموزی. خدایا! مرا از آنان قرار بده که از مواظبت تو در این کتاب، پند می‌گیرند و از نافرمانی‌ات پرهیز می‌کنند. وقتی کتاب تورا می‌خوانم، بر دل و گوشم مهر مزن و بر دیدگانم پرده می‌فکن و قرائت مرا خالی از تدبیر مگردان، بلکه مرا چنان قرار بده که در آیات و احکامش ژرف بنگرم، دستورهای دین تو را بگیرم و عمل کنم و نگاه مرا در این کتاب، غافلانه و قرائتم را بیهوده و بی‌ثمر مساز (7)

به گفته مالک بن انس و دیگران، هیچ گاه امام جعفر صادق(ع) جدای از قرآن دیده نشد. مالک گوید: من، جعفر بن محمد را بارها می‌دیدم که تبسم‌های نمکین نقش لبان او بود. هر گاه از پیامبر(ص) نزد او نام می‌بردند، ناگهان از احساس عظمت پیامبر، چهره او زرد می‌گشت. من هرگز ندیدم که او حدیثی از پیامبر نقل کند، مگر اینکه قبلاً وضو می‌گرفت. من برخی اوقات با او رفت و آمد می‌کردم و او را در یکی از سه حال می‌دیدم یا نماز می‌گزارد و یا ساکت بود و یا قرآن می‌خواند، و هرگز چیز غیر مفیدی به زبان جاری نمی‌ساخت. از بندگان خدا بود که از او می‌ترسید. (8)

حضرت امام صادق(ع) با تلاوت برخی آیات قرآن مجید از خداوند طلب شفا برای برخی بیماران می‌کرد و به برکت خواندن آیه مورد نظر، آن فرد بیمار شفا می‌یافت.

معاویة بن وهب گوید: فرزند فردی از اهل مرو، سردرد گرفته بود. او به خدمت امام صادق(ع) شکایت کرد. امام فرمود: او را نزدیک بیاور. پس امام دست مبارک خود را بر سر بیمار کشید و این آیه مبارکه را خواند: **إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أُمْسِكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ (9)**؛ محققاً خدا آسمان‌ها و زمین را از اینکه نابود شود، نگاه می‌دارد و اگر رو به زوال نهند، جز او هیچ کس آنها را نمی‌تواند حفظ کند. **راquo**؛ پس به اذن خدا، شفا یافت. (10)

سیمای قرآنی امام جعفر صادق(ع) به خوبی نشان دهنده این بود که چگونه امام از این کتاب الهی پاسداری می‌کرد و حرمتش را ارج می‌نهاد. در دعایی که پیش از قرائت قرآن می‌خواند، درخواست‌های عاجزانه او را دیدید و از این رو، می‌توان به قطع و یقین گفت امام صادق(ع) عالی‌ترین و کامل‌ترین شخصیت در عمل به قرآن مجید بود و دیگران را نیز از این بهره‌وری بی‌نصیب نمی‌گذاشت و نمونه آن در زندگی آن حضرت فراوان به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، امام بزرگوار به توصیه قرآنی **171#&**؛ **راquo**؛ صلح رحم و شدت عمل می‌کرد و با استدلال به آیات مربوط، این امر خدا پسندانه را در جامعه اسلامی رواج می‌داد.

اربلی در کشف الغمه از حافظ عبدالعزیز بن الأخضر نقل کرده: وقتی بین امام جعفر صادق(ع) و عبدالله بن حسن در وسط روز سخنانی رد و بدل شد، عبدالله به درشتی با امام سخن گفت و از یکدیگر جدا شدند. هر دو به مسجد رفته، بار دیگر همدیگر را بر در مسجد ملاقات کردند. امام صادق(ع) به عبدالله بن حسن فرمود: ای ابامحمد! چگونه روز را به شب رساندی؟ عبدالله با حالت عصبانیت گفت: به خیر و خوشی.

امام صادق(ع) فرمود: ای ابا محمد! آیا می‌دانی که صله رحم، حساب را تخفیف می‌دهد؟ عبدالله گفت: پیوسته چیزی می‌گویی که ما آن را نمی‌دانیم. امام فرمود: من بر تو قرآن می‌خوانم. عبدالله گفت: این را قرآن گفته است؟! امام فرمود: آری. عبدالله گفت: آن را بخوان. امام فرمود: خدای عزوجل می‌فرماید: **وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ (11)**؛ و آنها که پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده، برقرار می‌دارند و از پروردگارشان می‌ترسند و از بدی حساب روز قیامت بیم دارند **راquo**؛ عبدالله با شنیدن این آیه، متنبه شده گفت: از این پس، هرگز مرا قاطع رحم نخواهی دید. (12)

صفوان جمال گوید: روزی بین امام جعفر صادق(ع) و عبدالله بن حسن گفتگویی شد که مردم از سر و صدای آن دو جمع شدند. پس شب را به همان حالت سپری کردند.

صفوان گوید: برای حاجتی صبح زود بیرون رفته بودم که امام را بر در خانه عبدالله بن حسن دیدم که به کنیز عبدالله می‌گفت: به ابومحمد بگو تا بیاید. عبدالله بیرون آمده، اظهار کرد یا اباعبدالله! برای چه در این صبحدم آمده‌ای؟ امام فرمود: من دیشب آیه‌ای در کتاب خدا خواندم که به شدت مرا مضطرب و نگران کرده است. عبدالله گفت: آن آیه کدام است؟ امام صادق(ع) فرمود: **فَرَمُودَةُ** خداوند عزوجل: **وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ (13)**

عبدالله گفت: راست گفتی. گویا هرگز چنین آیه‌ای را در کتاب خدا نخوانده‌ام. پس یکدیگر را در آغوش گرفتند و گریستند. (14)

پی نوشت

[1]. سنن ترمذی، ج 2، ص 08.

2) اصول کافی، ج 1، ص 168، حدیث 1

3) اصول کافی، ج 1، ص 168، حدیث

4) اصول کافی، ج 1، ص 192، حدیث

5) همان، حدیث

6) وسایل الشیعه، ج 4، ص 849

7) بحارالانوار، ج 95، ص 5

8) قرآن در احادیث اسلامی، ص 115، به نقل از التوسل و الوسيله، ابن تیمیه دمشقی، ص 52

9) فاطر/41

10) مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 359.18

11) رعد/21.

12) بحارالانوار، ج 47، ص 274؛ غیبت، شیخ طوسی، ص 128.

13) رعد/21.

14) بحارالانوار، ج 47، ص 298